

نقش ملل مشرق زمین در بنیاد طب

نویسنده: پوهاند داکتر محمد افضل انور

خلاصه

دانشمندان مشرق زمین همانند فلاسفه یونان در هسته گذاری و تکامل علم طب سهم چشم گیری داشتند.

در بخش **داخله**، روش های فنی و مخصوصی برای تنقیه مواد غذایی از طریق مقعد، پاک کردن معده (در مسمومیت ها) توسط تیوب مخصوص و طریقه های برای معاینه طبی ابداع نموده، و به طبیعت مسری بودن برخی از بیماری ها (از قبیل آبله، وبا و طاعون) اشاره کردند. در بخش **انستیزی**، روشی را برای تسکین درد، به ویژه هنگام آمادگی برای عمل جراحی، به میان آوردند که واقعاً مفید بود. استعمال دواى بیهوشی قبل از عملیات و استفاده از تریاک و کوکنار به هدف بی حسی نیز از ابتکارات دانشمندان این دوره است.

در بخش **چشم**، به مسایل اساسی چشم اشاره نمودند از جمله: علت تنگ شدن و وسیع شدن مردمک چشم، عضلات چشم و وظایف آن، ساخت سرمه و گرد چشم، تشریح

چشم، تشریح بینایی، توضیح بیماری‌های چشم، حفظ بهداشت چشم و داروهای چشم. در بخش **جراحی**، گسترش جراحی، طرز جراحی کترکت، خروج سنگ مثانه، تشریح tracheostomy، روشی جهت رد کردن کتف، قطع تومور خبیث به صورت وسیع از ساحه نسج نارمل و سوختاندن محل تومور ذریعه آهن داغ، از بزرگترین اهتمامات طبای دوره تمدن اسلامی در زمینه جراحی به شمار می رود.

برعلاوه استفاده از این مواد و وسایل را برای نخستین بار رایج ساختند: استفاده از الکال (برای شستن زخم‌ها)، Catgut (در بخیه زخم‌ها)، پارچه نازک جال مانند (برای پانسمان)، تیوب (برای خروج خونابه، چرک و ترشحات)، نخ ابریشمی (برای بستن زخم)، سرنج فلزی (برای تزریق محلول طبی به مثانه)، وسیله‌یی برای پایین نگهداشتن زبان (هنگام عملیات لوزه)، اساس گذاشتن وضعیتی موسوم به Trendelenburg position، نخستین بار توسط دانشمندان شرق صورت گرفته است.

در بخش **معافیت**، روشی که در اروپا در اواخر قرن ۱۸ شروع شد، یعنی خال زدن چیچک برای ایجاد معافیت، در بین اعراب، هندی‌ها، چینی‌ها و در بعضی از حصص کشور ما مرسوم بود.

در زمینه **داروسازی و ترکیبات مختلف و شیوه‌های آن** نیز دستاوردهای چشم‌گیری داشتند. آشنایی با شیوه‌های تقطیر، تکلیس، تحویل، تبخیر و تبلور داشته، دریافت خاصیت الکال‌ها، قلو‌ها، نوشادر، نایتریت نقره، اسیدها، زرنیخ، پتاس و اکساید جیوه، ذکر خواص بته‌های از قبیل فلوس، سنا، کافور و ساخت شربت‌ها، الکال‌ها، فراورده‌های لبنی و عصاره‌های معطر از ابداعات آن‌ها است.

در باره **عامل مرضی**، ابراز این نظر که توبرکلوز در نتیجه ذیحات‌های خوردی به وجود می‌آید، تشریح اعراض امراض ساری از قبیل چیچک و سرخکان، طرح مفکوره ساری بودن امراض، را واضح می‌سازد.

بنای **شفاخانه‌ها** به اصول حفظ الصحه اساس گذاشته شده، برعلاوه شفاخانه‌های اختصاصی (به گونه مثال شفاخانه جذامی‌ها، دارالمجانین، شفاخانه نظامی، شفاخانه زندان، شفاخانه سیار و ایستگاه‌های امدادسانی، تدویر یافته و دواخانه‌ها مخصوصاً دواخانه‌های

مجانمی برای مردم ایجاد گردیده بود.

کلمه های کلیدی: سی ستم تریننگ، روش های فنی، مسری بودن بیماری ها، تسکین درد، رد کردن کتف، قطع تومور خبیث، حفظ بهداشت چشم.

مقدمه

آنچنانی که نقش فلاسفه یونان و زبان یونانی در تشکل و تکامل علم طب ثابت است و فلاسفه یونان در هسته گذاری علم طب نقش واقعاً برانزده یی داشته اند. سهم دانشمندان مشرق زمین را نمی توان درین راستا نادیده گرفت. به همین ترتیب با اینکه کشفیات در عرصه های مختلف طب دست آورد دانشمندان غرب به شمار می رود، ولی تجربیات، دانشمندان دوره تمدن اسلامی، کتاب های طبی یونانیان، سریانیان و کلدانیان را بررسی کرده، نادرستی های آن را زدوده و چیزهای زیادی بر آن افزودند و افزوده های آنان بر پایه تجربه علمی بود. کار کردهای علمی و شیوه های تداوی ساکنین و اطبای مشرق زمین در بنیاد اکثر مسایل رول ارزنده یی دارند. این دانشمندان یک سیستم پیشرفته تریننگ طبی را برای دکتوران و فارمسست ها عیار نمودند، که بعداً مدارس طبی اروپا این روش های تحقیقاتی و پرکتس را مرتب و تدوین کردند. دانشمندان دوره تمدن اسلامی قبل از آنکه دکتوران به پرکتس آغاز نمایند، مکلف به گذشتاندن امتحان بودند. آنان نخستین کسانی بودند که برای طیبیان امتحان وضع کردند و تحت سرپرستی و نظارت کمیته تخصصی که دولت آن را تعیین می نمود، و به طیبیانی که در آن ها شایستگی طبابت را می دیدند، پیش از آنکه شروع به کار کنند، گواهی نامه رسمی اعطا می کردند. آن ها همچنان اولین مکتب فارمسی را در جهان اساس گذاشته و نخستین دواخانه (drugstore) را ایجاد نمودند.

- ابن نفیس، ۴۰۰ سال قبل از هاروی، کشف دوران خون را ایضاح کرده است، و با وجودی که در کتاب (تاریخ مصور طب) چاپ سال ۲۰۰۰ بریطانیا نیز به این نکته اشاره شده، و به عین ترتیب در کتاب (ارثیه بشر) کشف دوران خون به طیبیان دوره تمدن اسلامی منسوب شده، ولی افتخار کشف دوران خون، به نام ویلیام هاروی ثبت گردیده است.

- شاید امروز بعضی ها چنان پندارند که نظریه «صحت به وسیله ورزش» یک تیوری جدید است، در صورتیکه ابن سینا در کلیات قانون درین باب با دقت و تفصیل تمام سخن

گفته است. به عقیده وی ورزش چنانچه مطابق هدایت و در موقع خود انجام یابد، ممکن است جای معالجه را بگیرد. وی انواع ورزش را از شدید و خفیف شرح می دهد و توصیه می کند که ورزش گوناگون باشد و در آن نباید دایم به یک نوع خاص اکتفا کرد. بر علاوه هر نوع مزاج و هر درجه یی از صحت نیز مقتضی ورزش خاصی است که برای نوع و درجه دیگر مناسب نیست.

- یعقوب بن اسحاق کندی، برای درمان بیماری اعصاب از آهنگ های موسیقی بهره می گرفت. استفاده از موسیقی، آخرین دستاوردی است که طب جدید در عصر کنونی ما بدان رسیده است.

- در این دوره تنها به مسایل طبی انسان تاکید نشده، بلکه به بیطاری و وترنری نیز توجه گردیده، چنانچه از جمله افرادی که به بیطاری روی آورده، یعقوب بن ابی حزام، در قرن چهارم هجری است. او رساله یی دارد تحت عنوان (القروسیه و شیالخیل) که بسیاری از اصول و فنون وترنری در آن ذکر گردیده است.

در بخش داخله

- ابن زهر برای تنقیه مواد غذایی از طریق مقعد، روش فنی و مخصوصی را ابداع کرد که شبیه به طریقه کنونی است.

- براون سیکوارد تقریباً ۶۰ سال پیش، توسط تیوب مخصوص، به پاک کردن معده (در مسمومیت ها) پرداخت، در حالیکه این روش قبلاً توسط طبیبان عصر تمدن اسلامی به کار گرفته شده بود.

- طبیبان عصر تمدن اسلامی، نخستین کسانی بودند که تشخیص دادند، برخی از بیماری ها (از قبیل آبله، وبا و طاعون) به جهت مسری بودن به دیگران منتقل می شوند. زکریا هشام، اقداماتی را که دانشمندان این دوره به طریقه معاینه طبی انجام داده اند، چنین بر شمرده است:

- ۱- معاینه ادرار با دقت کامل، ۲- گرفتن نبض، ۳- پرسش از بیمار در مورد بیماری اش،
- ۴- چگونگی زندگی بیمار، ۵- عادت های خصوصی و عمومی بیمار، ۶- بیماری های که قبلاً بیمار بدان مبتلا شده است، ۷- وضعیت سلامت خانواده بیمار، ۸- آب و هوایی که بیمار در

آن زندگی می کرده است، ۹- رنگ پوست بیمار ۱۰- رنگ منضمه، ۱۱- حالت تنفس بیمار، ۱۲- حالت پوست بیمار به هنگام تماس با چیزی.

در بخش انستیزی

روش دانشمندان دوره تمدن اسلامی در تسکین درد، روشی اصیل و واقعاً مفید بود، آن هم نه به شکل یونانی و رومی که نوشیدنی‌های سکرآور به طور کلی برای تسکین هر دردی به کار می‌رفت، بلکه مشخصاً هنگام آمادگی برای عمل جراحی (یعنی بیهوشی معمولی) از این وسیله استفاده می‌شد. این کشف هم دوباره به حساب یک طیب اروپایی گذاشته شد و بعداً نیز به حساب مکتب اسکندریه، چیزی که در حقیقت از دانشمندان دوره تمدن اسلامی آموخته بودند. طرز اجرای کار به این ترتیب بود که: پارچه‌های کوچک اسفنج را با عصاره‌یی از حشیش، بسلی و بنگ آغشته کرده، در آفتاب خشکانیده، در موقع ضرورت آن را دوباره مرطوب کرده و در بینی داخل می‌نمودند، و به این ترتیب مخاط بینی مواد مذکور را جذب کرده و مریض به خواب عمیق بیهوشی فرو می‌رفت، به طوری که درد غیر قابل تحمل جراحی را احساس نمی‌نمود.

- استعمال دوی بیهوشی قبل از عملیات دردناک، چنانچه مریض را به وسیله بذرالینج خواب و بی‌حس می‌کردند تا در موقع عملیات احساس درد نکرده و حرکت ننمایند. روش دانشمندان دوره تمدن اسلامی در تسکین درد، مشخصاً هنگام آمادگی مریض برای عملیه جراحی یعنی انستیزی عمومی، ازین متود استعمال می‌شد، این کشف هم به یک طیب اروپایی و بعداً به مکتب اسکندریه منسوب گشت.

- ابن سینا، این جراح نابغه به هدف بی‌حسی به مریضان تریاک و کوکنار می‌داد.

در بخش چشم

- علت تنگ شدن و وسیع شدن مردمک چشم را شناختند.

- ابن سینا، عضلات و وظایف آن را بیان کرد.

- علی بن عیسی، طیب چشم کتابی داشت به نام تذکره الکحالیه، که به عنوان مرجع در اروپا باقی مانده و به زبان لاتینی ترجمه شد. وی در ساخت سرمه و گرد چشم شهرتی بی‌نظیر داشت.

- صلاح‌الدین بن یوسف، کتاب خود را به فصول متعدد (از جمله: تشریح چشم، تشریح بینایی، بیماری‌های چشم و عوامل و عوارض آن، حفظ بهداشت چشم، داروهای چشم) تقسیم کرده است.

- ابن هیثم، در بررسی چشم و طبقه‌بندی آن مهارت داشت. او در کتاب المناظر، تصویری از چشم ترسیم کرده است.

- ابن نفیس در کتاب خود در زمینه چشم پزشکی مباحثی در باره چشم دارد.

در بخش جراحی

بزرگترین اهمیتی که اطبای دوره تمدن اسلامی در زمینه طب، این خدمت انسانی عملی نمودند، گسترش جراحی بود. آن‌ها در اوایل قرن ۱۱ طرز جراحی کترکت، خروج سنگ مثانه و بیهوشی را انجام دادند. ابوالقاسم زهراوی قرطبی، جراح بزرگ که هالدر استاد بزرگ فیزیولوژی در باره‌اش می‌گوید: «کتاب‌هایش که در ۱۴۹۷ م به لاتین ترجمه و چاپ گردید و خدمات او منشاء کوشش‌ها و دریافت‌های است که پس از قرن ۱۴ م ظهور کردند.» در قرن ۱۲ طرز جراحی در ممالک اسلامی نسبت به شیوه کار غربی‌ها (که شیوه جراحی آن‌ها را نوعی قصابی وحشیانه توصیف کرده اند) کامل بود.

- دانشمندان دوره تمدن اسلامی، نخستین کسانی بودند که برای باز کردن مجرای ادرار، میل جراحی (sounds) را به کار بردند.

- رازی نخستین کسی بود که استفاده از این مواد را معمول گردانید:

- الککل، برای شستن زخم
- Catgut، که از روده حیوانات ساخته شده، در بخیه زخم‌ها و انساج زیر جلد
- گاز، پارچه نازک جال مانند که برای پانسمان به کار برده می‌شود.
- تیوب، برای خروج خونابه، چرک و ترشحات سمی
- زهراوی نخستین کسی بود که این وسایل را در عملیات جراحی به کار برد:
- نخ ابریشمی، برای بستن زخم
- ابزاری، برای از بین بردن زائده‌های گوشتی بینی (پولپ)
- وسیله تنقیه (bulb syringe)

- سرنج فلزی برای تزریق محلول طبی به مثانه
 - وسیله‌ی برای پایین نگهداشتن زبان، هنگام عملیات لوزه
- ابن ماسویه، نخستین فردی بود که tracheostomy را تشریح کرد.
- دانشمندان در دوره تمدن اسلامی، در قسمت اورتوپدی کارهای بزرگی انجام داده اند، جهت رد کردن کتف روشی اختراع کردند که امروزه نیز به نام روش عربی معروف است.
- ابن سینا، تومور خبیث را به صورت وسیع از ساحه نسج نارمل قطع نموده و محل تومور را ذریعۀ آهن داغ می‌سوختاند.
- هندی‌ها سال‌ها پیش و مقدم‌تر از دیگران، در بیرون آوردن طفل از طریق شق کردن بطن (سزارین) تجربیاتی اندوخته بودند.
- وضعیتی که به نام Trendelenburg position که به نام فریدریش ترندلنبورگ جراح آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۲۴) معروف شده، اساساً توصیه ابوالقاسم بود. این نام در اوایل قرن بیستم به این مؤلف منسوب شده، بدون آنکه به دانشمند دوره تمدن اسلامی (ابوالقاسم) که استحقاق این نام را داشت، بیاندیشند.

در بخش معافیت

- آنچه در اروپا در اواخر قرن ۱۸ شروع شد، یعنی خال زدن چیچک برای ایجاد معافیت، حتی قبل از اسلام در بین اعراب معمول بود. زیر بنای فکری و روش علمی‌اش نیز با خال زدن مدرن مطابقت داشت، یعنی به وسیله باکتری تضعیف شده، مرض مصنوعی را ایجاد می‌کردند تا معافیت به وجود آید.
- هزاران سال قبل در چین به منظور جلوگیری از بروز چیچک، ارچق آن را در بینی افراد داخل کرده ازین طریق به شخص معافیت می‌دادند، در قرن ۱۹ به پایه همین مشاهدات ادوارد جینر vaccination را به جهانیان معرفی کرد. اعراب بر خلاف چینی‌ها (که پنبه را در مواد چیچک آلوده کرده و در سوراخ بینی اطفال داخل می‌نمودند)، خراشی به پوست دست وارد و ارچقی را از بدن مریضی که به چیچک خفیف مصاب شده بود به داخل ناحیه خراشیده گذاشته، و محل مذکور را مالش می‌دادند.
- در بعضی از حصص کشور ما، روشی برای ایجاد معافیت معمول بود، به ترتیبی که

ارچق چیچک را از شخص مصاب گرفته، در ناحیه مثلثی انگشت شست و اشاره که قبلاً با سوزن سوراخ‌های ایجاد شده بود گذاشته، آن را با تکه می‌بستند. بعد از ۳-۴ روز نزد شخص موصوف آبله معمولی پدیدار گشته، و پس از مدت کوتاهی از بین رفته و شخص در برابر چیچک معافیت کسب می‌نمود.

- در قدیم در بعضی مناطق کشور ما خال زدن چیچک معمول بود. زمانی که یک طفل در بدن خود چیچک می‌کشید و چیچک وی خشک شده ارچق می‌گرفت، ارچق‌ها را جمع نموده و به گوساله می‌دادند. بعد از چندی در بدن گوساله، دانه‌های چیچک پدیدار می‌گشت. آبله‌های چیچک گوساله را با پاکی پاره کرده و آب محتوی آن‌ها را جمع می‌کردند. بعداً با سوزن بالای بازوی طفل تا زمانی سوزن می‌زدند که کمی خون خارج می‌شد. سپس با پنبه کمی از آب چیچک جمع شده بر ناحیه سوزن زده می‌چکاندند. طفل در همان ناحیه بازوی خود چیچک می‌کشید.

- صدها سال پیش طبیبان هندی، مردم را علیه بیماری چیچک به روش واکسین مصؤون می‌کردند. طرز مصؤون‌سازی که هندی‌ها به آن دست یافته بودند، در کتب قدیمی چاپ شده است، با یکی از روش‌های مصؤون ساختن اطفال امروز مطابقت دارد.

دریافت خواص بعضی از مواد

علاوه بر طب، در زمینه داروسازی و ترکیبات مختلف آن نیز دستاوردهای چشم‌گیری داشتند. آن‌ها با شیوه‌های تقطیر، تکلیس، تحویل، تبخیر و تبلور آشنایی داشته، خاصیت الکل‌ها، قلو‌ها، نوشادر، نایتريت نقره، اسیدها، زرنیخ، پتاس و راسب احمر (اکساید جیوه) را دریافت نموده و نخستین قرابادین را تالیف کردند.

- علم طب با ذکر خواص بته‌های از قبیل فلوس، سنا، کافور و امثال آن و در فن ترکیب ادویه مرهون خدمات دانشمندان دوره تمدن اسلامی است.

- گیاه *Rauwolfia* که دارای الکلونید رزپین و از دواهای مؤثر ضد هایپرتانسیون است، و امروزه در برخی کشورهای اروپائی دوزاژ پائین آن در *depression* به کار می‌رود، در هند باستان برای از بین بردن اضطراب به کار می‌رفت.

- تقریباً هزار سال پیش از کشف پنسلین (که یک پوپنک است) فرزانه مرد مشرق زمین

علامه ابن سینا برای مریضان خویش خوردن نان پوپنک زده را توصیه می کرد.

- در بعضی مناطق افغانستان، انگور پوپنک زده کنگینه برای تداوی سینه بغل توصیه می شد. کنگینه یک نوع کانسرو بود که در داخل صفحاتی ساخته شده از گل، انگور را محافظه می نمودند. یک قسمت انگور را در داخل کنگینه پوپنک می زد. در حالات عادی در موقع خوردن انگورهای پوپنک زده را دور می ریختند. ولی از انگورهای پوپنک زده کنگینه، در حالات سینه و بغل استفاده می شد. پنسیلین هم یک پوپنک است که از خواص ضد میکروبی آن در اوایل قرن بیستم آگاهی حاصل شد، در حالیکه در کشور ما استفاده از این ماده سابقه طولانی تر دارد.

- برای معالجه زخم گلو، پوپنک سبز نان را، در گلوی مریض پف می کردند، چیزی که هنوز هم در بین اعراب بدوی معمول است، صد سال قبل ممکن چنین روش تداوی نفرت آور تلقی می شد، ولی امروز تعجب ما را از شناخت آنان از ماده انتی بیوتیک و آشنایی آنان با تاثیر بعضی مواد زنده ای که علیه چرک عمل می کند، بر می انگیزد.

- ساخت شربت ها، الکل ها، فراورده های لبنی و عصاره های معطر از ابداعات آنها است.

- از علمای بزرگی که در علم نبات و ترکیبات ادویه شهرت گسترده داشتند، می توان از ابن بیطار نام برد.

نظریه احتمالی در باره عامل مرضی

زمانیکه طاعون در اروپا منتشر شد، اروپاییان دست بسته و بدون هیچ فعالیتی در برابر آن تسلیم شدند. چون آن را قضای خداوندی می دانستند. در اروپا، مرز بین قضاوت صحیح و خرافات، شکل غم انگیز داشته، در مورد علت طاعون بین اروپاییان نظریات مختلفی ارائه می شد:

- در ۱۳۴۸ میلادی، پروفیسر یونیورستی مون پلیه، موقعیکه طاعون به وحشتناکترین شکلش شیوع یافته بود، (چشم) مریض طاعونی را مسؤول سرایت مرض دانسته، و به داکتران توصیه می کرد که از مریض بخواهند پلک هایش را برهم بگذارند.

- در سویس و جنوب فرانسه، مردم کلیمی ها را مسؤول شیوع طاعون دانسته و صدها کلیمی را سوزاندند.

- یک داکتر بلجیمی به نام سیمون دو کورینو، ستارگان را مسؤول شیوع طاعون می دانست و معتقد بود که گناه به گردن مشتری، زحل و مریخ است که در ۲۰ مارچ ۱۳۴۵ میلادی در یک مدار قرار گرفتند.

- بوکاجیو نظریه عمومی آن زمان را چنین جمع بندی کرده است: «تحت تأثیر اجرام سماوی یا بی عدالتی های خودمان، خشم عدالت خداوند به شکل بلای طاعون بر گناه کاران نازل شد.» و ادامه می دهد: «... چندین بار منظمأ دسته دسته به استغاثه رفته، در مقابل خداوند طلب عفو کردند». بدیهی است که با اجتماع، شیوع مرض نیز تشدید می یافت.

- اما در این موقع یک دانشمند اسلامی توجه انسان های وحشت زده را از آسمان دوباره بر زمین برگرداند، و ساری بودن مرض را ایضاح می کند.

- مفکوره ساری بودن امراض اجتماعی نیز یکی از پیشرفت های آشکار دانشمندان دوره تمدن اسلامی است، که پا را فراتر از طب یونان قدیم گذارده بودند، و بدان وسیله خدمت بی نهایت پرارزشی به بشریت کردند.

- ابن ماسویه در نیمه اول قرن نهم، شرح مفصل و تغییرات مرض جذام را ارائه می دهد، نه از دید مجازات خدا و یا عفو آسمانی، بلکه به عنوان یک مرض ساری. در تمدن اسلامی مریضان مبتلا به جذام را در شفاءخانه های که تحت نظر اطبا اداره می شد، محافظه کرده و با آنها مانند انسان و مریض رفتار می نمودند، نه مثل حیوان درنده و یا بی پناهان بی آرامی که از جامعه طرد شده اند. در تمدن اروپا طرد افراد از جامعه بشری، یکی از وظایف کلیسا به شمار می رفت. در فرانسه، روحانیون کلیسا جذامی را به صحن کلیسا فرستاده، به داخل قبری که قبلاً آماده شده بود، روانه می کردند و یک روحانی سه بیل خاک را بر روی او می ریخت. باین ترتیب طرد او رسمیت یافته و او را به جذام خانه که خارج از حیطه تمدن انسانی بود، رها می کردند.

- ابن سینا با کمپرس گرم به وسیله شراب قرمز کهنه و قوی، از چرک کردن زخم پیشگیری می کرد، چیزی که تاثیر قوی ضد عفونی بودنش را یک پروفیسر فرانسوی به نام ماسکولیه از شهر بردو، در ۱۹۵۹ م مجدداً کشف کرد و اثر آن را معادل پنسلین دانست.

- ابن سینا در کتاب قانون می نویسد: توبرکلوز یک ناجوری انسانی است که در نتیجه

ذیخیات‌های خوردی به وجود آمده و از شخص مصاب به مرض به فرد سالم سرایت می‌کند.

- رازی دائرةالمعارف بزرگی را به نام Comprehensive Work in Medicine منتشر ساخت که در آن در بارهٔ اعراض امراض ساری از قبیل چیچک و سرخکان شرح مبسوطی نگاشته است.

- ابن سینا در فصل تب‌ها (طاعون، آبله، سرخکان و غیره) کتاب قانون خویش از یک موجود نامرئی که مؤلد مرض است نام برده است.

- ابن رشد متذکر شده بود که تغییر آب و هوا در بهبود مریضان مصاب سل مفید است.

و سفارش می‌کرد که مسلولین به سرزمین سودان و حبشه بروند.

شفاخانه‌ها

شفاخانه‌های مسلمین مطابق به اصول حفظ‌الصحه بنا شده، وقتی به رازی پیشنهاد شد که بهترین مکان را برای احداث شفاخانه در بغداد انتخاب کند، او هدایت داد که در محله‌های مختلف شهر تکه‌های گوشت گوسفند را آویزان کنند، بعد از ۲۴ ساعت آن قطعات گوشت را با همدیگر مقایسه کرد، در هر جا که گوشت تازه تر مانده بود، شفاخانه را در همان محل احداث نمود.

مزید بر شفاخانه‌های عمومی، در دورهٔ تمدن اسلامی، شفاخانه‌های تخصصی نیز دایر نموده و در بسیاری مواقع آن‌ها را به همان نام می‌شناختند. برخی از معروف‌ترین نوع این شفاخانه‌ها چنین نام‌گذاری شده بودند:

شفاخانهٔ جذامی‌ها: چنانچه از نام آن پیدا است، در این شفاخانه جذامی‌ها را جا داده و آن‌ها را از جامعه و مردم جدا می‌ساختند تا بیماری آن‌ها به دیگران سرایت نکرده و در آنجا مداوا شوند. نخستین شفاخانهٔ جذامی‌ها در اسلام در ۷۰۷ م (در عهد ولید بن عبدالملک) بنا نهاده شد، در حالیکه اولین شفاخانهٔ جذامی‌ها در اروپا در قرن ۱۲ ایجاد گردید که آن را هم صلیبی‌ها از سوریه انتباه گرفته بودند.

دارالمجانین: برای بعضی از امراض خاصهٔ دیوانگی، شفاخانه‌های مخصوصی تاسیس کرده بودند که در آنجا برای بهبود آنان تلاش می‌شد. شفاخانه‌های مذکور در دوران اموی در سوریه ساخته شد. این بخش، در شفاخانه‌های عمومی، اتاق‌های مجزا و مستقل داشت. در

حالی که در این دوران در اروپا، علاج بیماران روانی را ضرب و جرح آنان می‌دانستند. **شفاءخانه نظامی:** این شفاءخانه مخصوص لشکریان بود و پرستارانی در آن به کار گماشته شده بودند که در مداوای جراحات جنگی و دیگر بیماری‌های سربازان تخصص داشتند. ابن خلکان می‌نویسد که شفاءخانه نظامی سلطان محمود بر روی چهل شتر جابه جا می‌شد، در حالیکه امداد و مداوای سربازان در اروپا، تنها بر عهده خودشان بود و صلیب سرخ و پرستاران ویژه لشکریان در سال ۱۸۵۴ ایجاد شدند. از اینرو در این امر بیش از هزار سال بر اروپائیان پیشی گرفته‌اند.

شفاءخانه‌های زندان: در عصر اول عباسی‌ها در بغداد به میان آمد.

شفاءخانه‌های سیار: در دوران عباسی‌ها این نوع شفاءخانه‌ها به منظور خدمت‌رسانی به مناطق روستایی و قشلاقی دور از شهر که به طب دسترسی نداشتند، به وجود آمد و در هنگام شیوع برخی از بیماری‌ها، تعداد آن‌ها و میدان عمل آن‌ها بیشتر می‌شد. شاید این اولین خدمات طبی برای ساکنین مناطق روستایی بوده باشد.

ایستگاه‌های امدادرسانی: در نزدیکی اماکن تجمع مردم برپا می‌شد. ابن طولون در مسجدی محلات خاصی برای امداد رسانی و طبابت ساخته بود، که طبیبان به نوبت و به صورت شبانه روزی در آنجا به خدمت می‌پرداختند و به بیماران و نیازمندان کمک می‌کردند. در نقاطی که شفاخانه نبود، اطبا را در اوقات مخصوص با دارو و اسباب لازمه به آن نقاط گسیل می‌نمودند.

دواخانه: گوستاولوبون می‌نویسد: در این دوره، دواخانه‌های مجانی وجود داشت که در روزهای مخصوص مردم بدانجا مراجعه می‌کردند. تنها در بغداد ۶۰ دواخانه به مصرف خلیفه دایر بود.

استفاده دانشمندان غرب از مآخذ شرق

تقریباً در حدود ۶-۵ قرن تنها کتب علمی که در یونیورسیتی‌های اروپا تدریس می‌شد، همان کتبی بود که از عربی به لاتین ترجمه شده بود. در سال ۱۱۳۰ م در طلیطله (هسپانیه)، مجمعی زیر نظر اسقف اعظم **ریموند (Raymond)** به نام (انجمن مترجمین) تشکیل گردید

که کتب علمی را از عربی به لاتین ترجمه می کردند. اروپائیان نه تنها کتب ابن رشد، ابن سینا و رازی، بلکه آثار یونانی را که به عربی ترجمه شده بود، به زبان لاتین برگردان نمودند. داکتر **لکرک** (Leclerc) در کتاب تاریخ خویش از ۳۰۰ کتاب عربی نام می برد که به زبان لاتین ترجمه شده اند.

از مترجمین مشهور، **ژرار گرمون** یا ژرارد گرمون (Gerard de Gremone) یا Gerard Gremon (۱۱۰۷-۱۱۸۷) است که قانون ابن سینا را به لاتین ترجمه نمود. در اروپا حتی یک کتاب هم وجود نداشت که سرچشمه اصلی آن از کشورهای اسلامی نبوده، و یا از آن متأثر نشده باشد.

این نکته مسلم است که: تمام دانشمندانی که قبل از قرن ۱۵ م به اروپا آمدند، کسانی بودند که علم آن‌ها به آنچه از روی کتب عربی آموخته بودند، منحصر می گردید. بسیاری از دانشمندان اروپا یا شاگردان دانشمندان دوره تمدن اسلامی بودند یا از اندیشه آنان بهره مند شده بودند. به طوریکه **رونان** به صراحت می نویسد: «دانشمندانی چون **آلبرت کبیر** (Albertus Magnus) (۱۱۹۳ یا ۱۲۰۶-۱۲۸۰) آلمانی، هرچه داشت از ابن سینا، و **سان توما** آنچه می دانست از ابن رشد بوده است.» آلبرت کبیر و **راجر بیکن** (Roger Bacon) (۱۲۹۴-۱۲۱۴) انگلیسی، در یونیورسیتی پاریس آثار علمی دانشمندان نامدار دوره تمدن اسلامی را تفسیر می کردند.

آلبرت کبیر یا آلبرت ماگنوس به قدری از متفکران اسلامی نقل قول می کند که آثارش منبع مهمی برای استفاده دانشجویان و محققان مغرب زمینی و اطلاع بر فلسفه اسلامی شده است. در خلال تمام آثارش، تقریباً یک صفحه در میان، به آرای ابن سینا اشاره می کند.

این نکته در گفته‌های **گوستاولوبون** نیز انعکاس یافته است: «دانشمندانی همچون **ژرژماکن، لئونارد، آردنورد ویلانو، رایمون**، سن توماس و آلبرت کبیر، یا شاگرد علمای دوره تمدن اسلامی بودند و یا ناقل اقوال آن‌ها».

آلبرت شامپدر (Albert Champder) در کتاب خود (صلاح الدین قهرمان بزرگ اسلام) می نویسد: «اروپا آموزش‌های ارزنده‌ی از تمدن شرق فرا گرفته و تحول کاملی را از

این تمدن بزرگ به دست آورده است.»

دانشمند معروف اروپایی، **هالر** می‌نویسد: تمام جراحانی که بعد از قرن دهم در اروپا آمدند، منابع علمی آن‌ها کتاب البقاسیس شیخ ابوالقاسم زهراوی بوده است. گوستاولوبون اضافه می‌کند: کتاب البقاسیس مشتمل بر سه باب است: باب اول در مسأله داغ کردن، باب دوم در باره عملیات که به وسیله چاقوی جراحی انجام می‌پذیرد و باب سوم در مورد کسر استخوان. این کتاب در ۱۴۹۴ م به زبان لاتین برگردانده و نشر شد و آخرین چاپ آن در سال ۱۸۶۱ صورت گرفته است.

نظریات نویسندگان غرب

بنابر گفته لیبری، اگر تمدن اسلام نبود، عصر تجدید حیات علمی اروپا، قرن‌ها به عقب می‌افتاد.

به قضاوت **نوی برگر** متخصص در تاریخ طب، «دانشمندان دوره تمدن اسلامی کسانی بودند که به نوشته‌های تکه و پاره و از نظر محتوی اکثراً نامفهوم دانشمندان قدیم یونانی، روشنی و نظم بخشیدند.»

او می‌نویسد: «به عکس روش منجمد و خشک روم شرقی که به اختصار از نوشته‌های دیگران، قطعاتی را جمع کرده و بدون تفاهم و رابطه، کنار همدیگر گذاشته و کتابی مخلوط و درهم و برهم در می‌آوردند، دانشمندان دوره تمدن اسلامی واقعاً کتاب‌های گرد آوردند که در مطالب خود محیط هستند و تماماً تحت اسلوبی معین است، طوری که همه بخش‌های تخصصی کتاب در زمینه اصلی، مانند عناصر مختلف اند که در حقیقت واحد زنده‌یی را با ربطی طبیعی، تشکیل می‌دهند.»

زمانی که در اروپا، کنار نور شمع، دانش کتابی و ذهنی، خواننده و به حافظه سپرده می‌شد، در شرق، علم به صورت عملی به نمایش گذاشته می‌شد، نه آنچنان بی‌جان و مسخ شده، عقیم و خشک و تیوری‌وار، در تاریکی زاهدانه معابد، که سعی می‌کردند حتی به موجودی که خون گرم به بدن دارند، دست نزنند، دانشمندان شرق می‌کوشیدند، کنار بستر مریضان در شفاءخانه‌های خود، تیوری را با عینیات و تجربه بیامیزند. محصلین طب در شفاءخانه و کنار بستر مریضان به وسیله تجربیات روزانه با طب آشنا می‌گردیدند.

طب یونان قدیم از دانش و تجربیات آسیایی و مصری استفاده کرد، تا بتواند بعداً راه مستقل و مخصوص به خود را در پیش بگیرد. دوره تمدن اسلامی نه تنها ارثیه یونان را از انهدام و فراموشی نجات داده و آن را اسلوب و نظم بخشیده به اروپا داد، بلکه پایه گذار بسا علوم و از جمله طب گردید.

به صورت خلاصه طبای دوره تمدن اسلامی چهار اساس مهم را از خود باقی گذاشتند:

- طب پراکنده یونانی را مرتب ساختند.
- طب را از حالت نظری بیرون کرده و طب عملی و تجربی را به میان آوردند.
- اثر ادویه را از نظر وظایف الاعضا، در طب وارد نمودند.
- پتالوژی یا مرض شناسی را بسط و توسعه داده و اکثر امراض را که تا آن زمان از آن‌ها اطلاعی در دست نبود در طب وارد ساختند.

امروز نیز هر شفاءخانه، با تمام وسایل تشکیلاتش، هر لابراتوار کیمیا، هر دواخانه و هر عطاری، مجسمه زنده و قابل لمسی از اهمیت دوره تمدن اسلامی است. هر قرص روکش شده، خاطره کوچکی است از دو طبیب بزرگ و معلم اروپائیان، رازی و ابن سینا. پروفیسور سلیم الحسنی، در کتابی در رابطه به ۱۰۱ ابتکار و تحولی که مسلمانان جهان مبتکر آن‌ها بوده اند، به بررسی ابتکارات و تحولاتی که منشأ بسیاری از اختراعات جدید به شمار می‌روند، پرداخته، و می‌نگارد:

موقعی که به منشأ بسیاری از اجزای زنده گی مدرن می‌اندیشیم، گزینه‌های به ذهن می‌آید که اغلب نادرست هستند. به گونه مثال زمانی که به منشأ یک پیاله قهوه فکر می‌کنیم، معمولاً نام ایتالیا در ذهن جرقه می‌زند، اما در واقع منشأ اصلی ساخت نوشیدنی قهوه، یمن بوده است. موضوع مورد بررسی کتاب ۱۰۱ اختراع است که به منظور بزرگداشت تاریخ فراموش شده از هزار سال میراث مسلمانان منتشر شده است. ۱۰۱ ابتکار اکنون در موزیم علوم لندن به صورت نمایشگاهی درآمده است.

از بین این مجموعه، به چند مورد که به طب ارتباط می‌گیرد، اشاره می‌شود:

جراحی: طبیب مشهور (الزهرای) مرجعی ۱۵۰۰ صفحه‌ی مصوری را از جراحی ارائه

کرده که به مدت ۵ قرن در کشورهای اروپایی، به عنوان مرجع مورد استفاده قرار می گرفت. یکی از ابداعات مشهور وی کشف امکان استفاده از روده گربه، برای بخیه زدن جراحات‌ها است. همچنان اولین جراحی سزارین و ابداع اولین آنژرک (شاید پنس باشد) جراحی نیز به وی منسوب شده است.

قهوه: این نوشیدنی که اکنون به اصلی ترین نوشیدنی در غرب تبدیل شده است، چنانچه ذکر شد، برای اولین بار در حدود قرن ۹ در یمن آماده نوشیدن گردیده، سپس در قاهره و در قرن ۱۲ به ترکیه رسیده، اما تا قرن ۱۶ در اروپا استفاده آن مروج نگردیده بود.

نور: ابن هیثم ثابت ساخت که چشم انسان اجسام را به واسطه انعکاس نور بر روی سطح آن‌ها مشاهده می کند، و با این کشف خود، نظریه اقلیدس و بطليموس را مبنی بر اینکه نور از چشم انسان تابش داده می شود، رد کرد.

مسواک: مؤلف، عامل اصلی رواج مسواک و استفاده از اولین مسواک را پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) می داند. ایشان، در آن زمان با استفاده از شاخه درختی به نام مسواک، دندان‌های خود را تمیز می کردند. مواد مشابه آنچه در شاخه درخت مسواک موجود بوده، اکنون در ساختار کریم دندان به کار می رود.

شفابخانه: شفابخانه‌های که اکنون می شناسیم، در واقع از قرن نهم و از کشور مصر سرچشمه گرفته اند. اولین مرکز در جهان، شفابخانه احمد بن تولون بود که در سال ۸۷۲ میلادی در قاهره تأسیس شده است. این شفابخانه بر اساس سنت مسلمانان که از مریضان نیازمند حمایت می کرد، به افراد نیازمند به صورت رایگان کمک‌های بهداشتی و طبی عرضه می نمود.

خانم دکتر **زیگرید هونکه** آلمانی (متولد ۱۹۱۳) در مقدمه کتاب ۷۲۲ صفحه‌یی که رساله دکتورایش است، واقع بینانه، با دید عمیق، دور از تعصب مذهبی و نژادی، می نگارد: شگوفایی دوره تمدن اسلامی دو برابر تمدن یونان بوده و دانشمندان همین دوره بودند که خیلی مستقیم و چند جانبه از یونان، جهان غرب را تحت تاثیر قرار دادند. چه کسی ازین واقعیت باخبر است و چه کسی از آن در تاریخ یاد کرده؟ آنچه تاریخ نویسان اروپایی در مورد

نقش هشتصد ساله دوره تمدن اسلامی بیان می کنند، این است که مختصراً می گویند: دوره تمدن اسلامی وسیله رسانیدن گنجینه تمدن یونان به اروپا بودند. این تنها چیز مثبتی است که اروپائیان در باره دوره تمدن اسلامی اظهار کرده اند، در حالیکه با این بیان، آنان را تا حد یک نامهرسان پایین می آورند، که گویی اینان، بسته تمدن یونان قدیم را از لای در به داخل اروپای غربی فرو کرده و رفته اند.

چند سال پیش در باره تاریخ علم و تمدن اروپا، کتابی منتشر شد، از ابتدای تاریخ تا ۱۶۴۲، نویسنده در چنین کتاب ۶۰۰ صفحه‌یی، تمام آنچه را متعلق به دوره تمدن اسلامی بود، در دو صفحه خلاصه کرده بود. این نویسنده با روش مصمم و تحقیرآمیز، به فعالیت‌های چند جانبه تمدن و کارهای علمی، هنری و صنعتی دوره تمدن اسلامی که اروپا و بشریت از آن سپاسگذار اند، نمره مردود اعطا کرده است. او می نویسد: «با وجود این، دوره تمدن اسلامی تنها وسیله حفاظت و دست به دست دادن تمدن بودند. آنان روی گنجینه علوم یونانی کار چندانی نکردند، تا علوم برایشان مثمر ثمر واقع شوند. به تیوری کم اهمیت می دادند ... به اینترتیب ارثیه یونانی بارور نشده باقی ماند ...»

دکتور هونکه در آخر مقدمه‌اش می افزاید: «با توجه به این چنین قضاوت‌های غلط، به نظر می آید، به خاطر وظیفه تاریخ، بالاخره باید نسبت به دوره تمدن اسلامی احقاق حق بشود، احقاق حق کسانی که تا کنون ناسیونالیزم اروپایی عاجز از داوری صحیح و ابراز احترام لازم در برابر آنها بوده، فعالیت‌های علمی، هنری و صنعتی شان را تحقیر کرده، بر سهم اساسی آنان در ساختمان تمدن اروپا سرپوش گذارده و از بیان آن خودداری کرده است.»

ویل دورانت مؤلف تاریخ تمدن در کتاب خویش (مشرق زمین - گهواره تمدن) می نگارد:

«... فهم تمدن‌ها و داوری در باره آنها، از مجال خرد یک فیلسوف و حیطه ذهن یک دانشجو بیرون است، و ازین جاست که اروپا و آمریکا، این فرزند و نواده خودخواه آسیا، هرگز به ارزش میراث کهن پدران خود پی نبرده اند. اگر هنرها و فنونی را که از شرق به غرب رفته اند، یا مطابق دانش محدود کنونی ما، نخستین بار در مشرق زمین پدید آمده اند بر

شماریم، در می‌یابیم که، بی‌عمد و جهد، پیکره‌یی از تمام تمدن بشری به میان نهاده ایم.....
ازینجا باید به این حقیقت معترف بود که: شرق قدیمی‌ترین نمایشگاه مدنیت است،
تمدن‌های این خطه، به منزله خمیرمایه و شالوده فرهنگ‌های نوین اند. همانسان که پیکره‌های
از هنرها، علوم و فنون و بالاخره تمام تمدن‌های بشری در مشرق زمین، این گهواره تمدن بنیاد
یافته اند، علم طب نیز در شرق جان گرفت و با الهام از اندیشه‌های غنی ابر مردان مشرق زمین
است که دانشمندان غرب در عرصه علم طب به کشفیات، ابتکارات شگرف و مؤفقیتهای
چشم گیر نایل آمدند.

نتیجه

دانشمندان مشرق زمین همانند فلاسفه یونان در هسته گذاری و تکامل علم طب سهم
چشم گیری داشتند. به گونه مثال: عیار نمودن سیستم تریننگ طبی برای طیبیان، ابداع
روش‌های فنی و مخصوصی برای تنقیه مواد غذایی از طریق مقعد، استفاده از تریاک و کوکنار
به هدف بی‌حسی، روشی جهت رد کردن کتف، قطع تومور خبیث به صورت وسیع از ساحه
نسج نارمل و سوختاندن محل تومور ذریعه آهن داغ، رایج ساختن شماری از وسایل برای
نخستین بار، آشنایی با بعضی شیوه‌ها مثل تقطیر، تکلیس، تحویل، تبخیر و تبلور داشته، دریافت
خاصیت برخی از مواد الکل‌ها، قلو‌ها، نوشادر، نایتريت نقره، اسیدها، زرنیخ، پتاس و اکساید
جیوه، ذکر خواص بته‌های از قبیل فلوس، سنا، کافور، ساخت شربت‌ها، الکل‌ها، فراورده‌های
لبنی و عصاره‌های معطر، طرح مفکوره ساری‌بودن امراض، اساس گذاشتن بنای شفاخانه‌ها به
اصول حفظ‌الصحه، ایجاد نخستین دواخانه، ایضاح دوران خون، استفاده از موسیقی در درمان
بیماری اعصاب، از دست آوردهای دانشمندان مشرق زمین به شمار می‌رود.

مآخذ

۱. اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، از نشرات معاونت امور فرهنگی و وزارت بهداشت، چاپ اول، ۱۳۷۰، صفحه ۲۹۹.
۲. براون، ادوارد؛ تاریخ طب اسلامی، صفحه ۹۷.
۳. پل تاد، لوئیس و همراهان؛ تاریخ تمدن و زندگی مردم جهان، ترجمه هاشم راضی، چاپ اول، چاپ چاوشگران نقش، تهران، ۱۳۸۳، صفحه ۲۳۴.
۴. ترابی، محمد انور، طب در گستره تاریخ، انتشارات شاهنامه، هالند، ۱۳۸۵، صفحه ۱۲۱.
۵. حجازی، فخرالدین: نقش پیامبران در تمدن انسان، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران، چاپ دوم، صفحه ۱۷۳.
۶. دفاع، علی عبدالله، پزشکان برجسته در عصر تمدن اسلامی، صفحات ۱۳-۳۳.
۷. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، جلد چهارم، عصر ایمان؛ مترجم ابوالقاسم طاهری، چاپ هشتم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، صفحات ۹۹۰ و ۱۲۹۵.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۵۶.
۹. زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا (خورشید الله بر فراز مغرب زمین)، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳. صفحات ۲۸۱، ۲۲۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۴۸، ۴۰۰.
۱۰. فرمند، حبیب الله، طبابت عامیانه در افغانستان، مجله دوماهه فولکلور، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۵۵، صفحات ۴۷-۵۱.
۱۱. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۴۷. صفحات ۶۰۹.

۱۲. مومنی، عبدالحی، تاریخچه طبابت و فارمسی و سیر تکاملی آن در افغانستان، نشرات

اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۸۴.

13. Beers Burton, World History 3rd Pentice –Hall, Inc, Englewood Cliffs, New Jersey, 1986, page 234.

14. Greenblatt M. & Lemmo P., Human Heritage (A world history), Merrill Publishing Company, Ohio, 1981, page 343.

15. Porter, Roy: Cambridge Illustrated History Medicine, published by the press Syndicate of the University of Cambridge, UK. First edition, 2000, page 67.